

فصل دوم در بیان معنی امت و بیان آنکه آنحضرت بهر خط و زبان عارف بود بداند که خلاف است
 که آنحضرت را حق تعالی جراحی فرموده است بعضی گفته اند که برای آنکه سواد و خط نداشت و بعضی
 گفته اند که منسوب بامت است یعنی در عدم تعلم ظاهر مثل علم عرب بود و بعضی گفته اند که نسبت
 بامت است یعنی بحسب ظاهر بر حال بود که از ما در منوال شده بود که خط و سواد نیا مویخته بود از
 کسی و در بعضی احادیث وارد شده است که نسبت بامت الفکر است یعنی مکه و در این خلاف
 نسبت که آنحضرت پیش از بعثت تعلم خط و سواد از کسی نهموده بود چنانچه حق تعالی میفرماید که
 وَمَا لَنَا لِمُؤْمِنٍ قَلِيلٍ كُنَّا لِبَعْضِهِمْ خَيْرًا وَلَا لَنَا لِبَعْضِهِمْ خَيْرًا وَلَا لَنَا لِبَعْضِهِمْ خَيْرًا وَلَا لَنَا لِبَعْضِهِمْ خَيْرًا
 پیش از بعثت کتاب و نامه را و نمی نوشتی تا آنکه را بدست راست خود اگر چنین می بودی
 می افتاد اهل بطلان و خلاف است که آیا بعد از بعثت می نوشتی نوشتن خواند
 یانه و حق است که قادر بود بر خواندن و نوشتن چنانچه بوجز الهم همه چیز را میدانست و
 بقدرت الهم بر کار نمیکند دیگران عاجزند قادر بود اما برای مصلحت خود نمی نوشت و غالب
 اوقات دیگران را امر میخواند و نوشتن نامها میفرمود و خواندن و نوشتن را از
 بشر نیا مویخته بود چنانچه در صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت
 رسول ص نامه را میخواند و نمی نوشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود از چیزهایی که حق
 بعثت گذاشته بود در پیغمبر خود نبود که امری بود که نمی نوشت و نامه را میخواند و در حدیث
 حسن دیگر فرمود که تقسیم هوا که در بعثت خالاتیم چون رسول ما همه را نوشتند که است
 که فرستاده در میان امتیان رسولی از ایشان حضرت فرمود که این آن خط است
 و لیکن چون کتاب از خدا در میان ایشان نبود و پیغمبر منور در میان ایشان معجز
 نشده بود با یون سبب ایشان را امر نامید و

Copyright © Khatam University